



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517758.1401.12.2.1.8>

## تبیین جایگاه خانواده در برنامه‌درسی معنوی\*

سیده مریم رئیس‌الاسلام زاده<sup>۱</sup>، صمد ایزدی<sup>۲</sup>، اصغر شریفی<sup>۳</sup>، خدیجه ابوالمعالی<sup>۴</sup>

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

### چکیده

پژوهش حاضر، با هدف تبیین جایگاه خانواده در برنامه‌درسی معنوی انجام گردید. این تحقیق از نظر نوع هدف کاربردی-توسعه‌ای و از منظر نوع و روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع تحقیقات آمیخته می‌باشد. در بخش کیفی تحقیق علاوه بر اسناد، مدارک و مقالات معتبر از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی از ابزار پرسشنامه محقق ساخته برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که جایگاه خانواده در برنامه‌درسی معنوی از طریق ۱۸ مؤلفه مهم تبیین می‌گردد. اهمیت این مؤلفه‌ها در برنامه‌درسی معنوی به نحوی است که در صورتی که خانواده‌ها تأکید و توجه بیشتری بر آن‌ها داشته باشند، اجرای موفقیت‌آمیز و تأثیرگذاری برنامه‌درسی معنوی را دست‌یافتنی و قابل حصول خواهد نمود. بنابراین این انتظار وجود دارد که با تبیین اهمیت و جایگاه خانواده در تربیت معنوی فرزندان بتوان آن را در بهبود معنویت جامعه با مدرسه همراه نمود. ایمان و توکل به خداوند و توسل به ائمه معصومین (ع)، تشویق فرزندان به صداقت و راستگویی، روابط انسانی و مؤدبانه والدین با یکدیگر و با دیگران، دلسوزی و قدرشناسی و مسئولیت‌پذیری به ترتیب پنج مؤلفه مهمی هستند که جایگاه خانواده در برنامه‌درسی معنوی را تبیین می‌کند.

**واژگان کلیدی:** برنامه‌درسی، خانواده، جایگاه خانواده، برنامه‌درسی معنوی

\* این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری نویسنده اول می‌باشد.

۱- دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران m\_raeeszade@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران s.izadi@umz.ac.ir

۳- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران drasharifi@gmail.com

۴- دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

## مقدمه

در نظام‌های آموزشی و برنامه‌های درسی کشورهای مختلف، رشد و پرورش انسان کامل، همواره به‌عنوان یک آرمان یا غایت تربیتی مطرح و مورد تأکید بوده است. به همین دلیل است که توجه به بروز استعدادها و قابلیت‌های خدادادی و نهفته دانش‌آموزان و دانشجویان و فراهم ساختن بسترهای لازم برای شکوفایی آن‌ها به‌عنوان جهت‌گیری اصلی همه نظام‌های آموزشی مشروعیت یافته است. در این راستا، وظیفه تعلیم و تربیت، رشد و ساختن انسان‌های کامل است. به‌طوریکه فرد بتواند به ایده واقعی خود که نمونه کمال انسانی است، نزدیک شود (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۲).

ما در اوایل قرن بیستم به سر می‌بریم که علی‌رغم پیشرفت‌های سریع علوم، موضوع انحطاط اخلاقی از ویژگی‌های آن به شمار می‌آید و جهل آموزش معنوی منجر به بهره‌کشی و استثمار، فساد، تجاوز، کشتار، خودخواهی و نفرت شده است. علاوه بر بحران‌های خارجی، مردم در داخل نیز با بحران‌های به مراتب قوی‌تر، پیچیده‌تر و فاجعه‌بارتری دست به گریبان هستند؛ مانند بحران در حفظ هویت، ارزش‌ها، دانش و فهم دینی، تفکر انتقادی و استدلال و درنهایت بحران در ایمان و اخلاق انسانی (عرب احمدی و باقرپور، ۱۳۹۹، ص ۵۰). آمار فزاینده مربوط به جرم و جنایت‌هایی که در اشکال مختلف صورت می‌گیرد، حاکی از این است که بشریت در پرتگاه انحطاط اخلاقی قرار گرفته است. حقیقتی که علمای تعلیم و تربیت همچون مایر<sup>۱</sup> ناگزیر به آن معترف شده و بیان می‌دارند که "علم تنها کافی

نیست، به اخلاق واقعی و معنویت حقیقی نیز نیازمندیم" (شاه‌آبادی، اسدنژاد و تیموری، ۱۳۹۹، ص ۹۵).

پس از فروکش کردن طغیان مادی‌گرایی که تمام مظاهر معنوی انسان‌ها را در معرض خطر قرار داد، هم‌اکنون، زرمزه بازگشت به معنویت در عرصه‌های زندگی اجتماعی و فرهنگی آغاز شده است. معنویت به همان سرعتی که در طول چند قرن اخیر از اذهان روشنفکران و اندیشمندان غربی رخت بر بسته بود، به همان سرعت نیز در حال بازگشت است. معنویت می‌تواند کلاس درس را تبدیل به محیطی پر از انرژی مثبت نماید. به‌طوریکه معلمان و دانش‌آموزان با روحیه بالا و با عشق و علاقه به یکدیگر به تدریس و آموزش بپردازند. گرایش به معنویت به‌عنوان گرایشی نو در عرصه‌های تربیتی و فرهنگی مغرب زمین بیش از عرصه‌های دیگر به چشم می‌خورد، این امر به دو دلیل اتفاق افتاده است: نخست آنکه حوزه تعلیم و تربیت بهترین موقعیت و فرصت را برای تبلور معنویت در انسان فراهم می‌کند، دوم آنکه موضوع معنویت ذاتاً موضوعی تربیتی است (ادیب‌منش، لیاقت‌دار و نصر، ۱۳۹۷، ص ۶۲).

از سوی دیگر، صاحب‌نظران تربیت را یکی از مهمترین وظایف خانواده در قبال فرزندان دانسته‌اند. گرچه گروه‌ها و عوامل اجتماعی زیادی بر تربیت دینی تأثیر می‌گذارند، غالباً خانواده در این زمینه با نفوذترین نهاد به شمار می‌رود. در خانواده است که کودک اولین چشم‌انداز از جهان پیرامون را درک می‌کند. در خانواده است که کودک به آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و حدود و اختیارات و مسئولیت‌ها پی می‌برد. اسلام به این موضوع تأکید دارد که

<sup>۱</sup>. Mayer

دی‌هارت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶، ص ۵۲). شواهدی وجود دارد که از این منظر به اهمیت خانواده تأکید می‌کند. اول اینکه در اکثر کشورها تغییر مذهب در اواخر زندگی نادر است. اکثر مردم به دین و مذهبی که در آن بزرگ شده‌اند پایبند هستند. این نشان می‌دهد که ترجیحات معنوی و مذهبی، اعتقادات و وابستگی‌ها در اوایل زندگی در نتیجه تأثیر والدین تعیین می‌شود (برنارد<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۴۹). دوم، اگرچه والدین تنها عامل در این زمینه نیستند، ولی تا حد زیادی موثرترین هستند. انتقال معنوی می‌تواند در مدارس و جوامع مذهبی رخ دهد، اما در مقایسه با تأثیر والدین، تأثیر مدارس و جوامع مذهبی کمتر است. سرانجام، دین تنها جنبه از مجموعه ارزش‌هایی نیست که ممکن است والدین به فرزندان خود منتقل کنند (هارلمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲، ص ۴۳۷). بنابراین می‌توان گفت خانواده اولین مدرسه معنوی و والدین اولین معلمان معنوی فرزندان هستند که در تربیت معنوی و دینی جامعه نقش پررنگی دارند.

در اهمیت معنویت همین بس که هویت فردی را شکل می‌دهد و بالاترین مرکز اخلاقی است که بر اساس وجود انسان متمرکز می‌باشد. مفهوم "آموزش معنوی" یا "آموزش معنویت"، به‌عنوان شکل‌گیری نگرش ارزشی برای زندگی که توسعه پایدار و سازگار یک انسان را تضمین می‌کند و به صورت احساس و وظیفه، عدالت، صداقت، تعهد و دیگر صفات که قادر به بیان حس عالی برای اعمال و افکار یک انسان هستند، تعریف می‌شود (صفامنش، ۱۳۹۷، ص ۹). معنویت یکی از

کودکان دارای حقوقی هستند و باید در رفع نیازهای آنان کوشید. از جمله حقوق کودکان که بر عهده خانواده‌هاست تأمین سعادت دنیایی و آخرتی آنان است و این امر میسر نمی‌شود مگر از راه انتقال مفاهیم دینی. از آنجا که انسان‌ها در خانواده به هویت و رشد شخصیت دست می‌یابند و فقط در خانواده‌های سالم می‌توانند به تکامل معنوی و اخلاقی برسند، از این رو خانواده نه تنها عامل کمال بخشی، آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در تحولات اساسی جامعه نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و مذهب، آموزش و حکومت نیز از عملکرد خانواده متأثر می‌شوند (بخشی و صباغ‌اسماعیلی، ۱۳۹۴). نقش خانواده به عنوان اولین نهاد تربیتی - آموزشی در جامعه بسیار پررنگ است چراکه خانواده یک نهاد آموزشی چند بعدی محسوب می‌شود و وظیفه دارد فرزندان را تا زمانی که وارد سیستم آموزش رسمی نشده‌اند در همه ابعاد، آموزش و ارتقاء دهد. به عبارت دیگر خانواده را می‌توان نقطه آغازین انواع آموزش و پرورش دانست. معنویت یا تربیت دینی یکی از مهمترین ابعاد است که نقطه شروع آن خانواده است و اهمیت آن به این دلیل است که نگرش و جهان‌بینی فرزندان را شکل می‌دهد (آقامحمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱).

توضیح اینکه چرا مطالعه علمی معنویت ناخواسته توجه افراد را به خانواده جلب می‌کند، دشوار نیست. خانواده مکانی است که در آن انتقال عقاید معنوی و مذهبی بین نسلی جریان دارد و برای تداوم سنت‌ها و پایداری جوامع دینی از اهمیت اساسی برخوردار است (بکر<sup>۱</sup> و

2. de Hart

3. Bernard

4. Hurrelman

1. Becker

شده" است که به اعتقادات و آداب و رسوم جامعه وابسته است و غالباً در کارهای فرهنگی گنجانیده شده است (مک‌گاورن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۴۷۳).

یکی از دغدغه‌های موجود در نظام‌های آموزشی، چگونگی تربیت دینی و اخلاقی است. در بحث تربیت دینی و اخلاقی، صرف شناخت ضرورت و جایگاه آن در میان ابعاد تربیت، مطرح نیست. امروزه مسئولان و برنامه‌ریزان، به دنبال راهکار عملی برای حل این مشکل هستند. به نظر می‌رسد "برنامه‌درسی" در این زمینه می‌تواند نقش هماهنگ‌کننده همه عوامل دخیل در تربیت را ایفا نموده و کارساز باشد (شاملی، ملکی و کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۷۹). به بیان دیگر، در عصر حاضر، سازمان‌های آموزشی به ویژه مدارس در کنار خانواده یکی از ارکان مهم اجتماع در ایجاد نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و مهارت‌ها و به‌طورکلی تربیت همه ابعاد انسان هستند و این امری بدیهی و انکارناپذیر است. به دلیل نهادینه شدن و پذیرش این نهادها از طرف خانواده برای تربیت فرزندان خویش و از طرف جامعه برای تربیت انسان‌های اجتماعی و شهروندان مناسب، این نهادها از ظرفیت بالایی در امر تربیت برخوردارند. از این رو برنامه‌درسی به‌عنوان الگو و چارچوب فعالیت‌های مدارس دارای تأثیر فراوانی در تربیت افراد جامعه است و نقشی محوری و کلیدی ایفا می‌کند، به طوری‌که می‌توان گفت عمده تربیت نسل امروزی در جوامع مختلف توسط مدارس و به تبع آن برنامه‌درسی انجام می‌گیرد. اکثر برنامه‌های درسی در دوره اخیر نیز بدون توجه به ابعاد مختلف انسان درصدد تربیت

نیازهای اساسی انسانی است. معنویت مورد تأیید اسلام، به پرسش‌های بنیادین انسان در باب هستی‌شناسی، حقیقت انسان، غایت و هدفمندی و فلسفه آفرینش پاسخ‌هایی معرفتی در اختیار می‌نهد.

البته انسان در زندگی خود همواره به عواملی بر می‌خورد که او را از یاد خدای بزرگ و متعال دور می‌گرداند، علت اصلی غرق شدن آدمی در غفلت از یاد خدا را می‌توان به فراموشی خدا، هدف آفرینش و خود دانست. انسان برای دستیابی به معنویت نیازمند آن است که بینش خود را در باب خود، خدا و فلسفه آفرینش تصحیح نماید. به اعتقاد ایمونز<sup>۱</sup> معنویت می‌تواند شکلی از آگاهی تلقی شود، زیرا عملکرد و سازگاری افراد را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که فرد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازد و به اهداف خود دسترسی داشته باشد (مظاهری، رحیمی، ابراهیم پور سامانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴).

از نظر مقیمیان، سلمانی و آذربرزین (۲۰۱۱) معنویت عبارت است از برخورداری از ارزش‌های والای انسانی که شامل ایمان به خدا، عشق به دیگران، پشتکار، تحرک، تحمل، تقوا، تواضع، توکل، جوانمردی، خدمت، محبت، احترام به موجودات، اعتماد به نفس، امید به آینده، خوش‌بینی، خیرخواهی، رضایت، سپاسگزاری، شجاعت، صبر، صداقت، صرفه‌جویی، عدم وابستگی، فداکاری، گذشت، محدود کردن آرزوها و وفای به عهد می‌باشد. معنویت همان چیزی است که به زندگی یک شخص معنایی نهایی می‌دهد و با عمیق‌ترین تجربیات یک فرد، دین و فرهنگ ارتباط نزدیک دارد. دین "معنویت نهادینه

<sup>۲</sup> . McGovern

1 . Immons

جوهر و اساس انسانیت و زمینه عالی آدمیت و زمینه‌ساز رشد و توسعه است (لیبستر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸، ص ۵۰). معنویت به عنوان یکی از ابعاد ذاتی و وجودی انسان همانند سایر ابعاد شناختی<sup>۲</sup>، عاطفی<sup>۳</sup> و روانی - حرکتی، موضوعی تربیتی می‌باشد. معنویت‌گرایی به عنوان یکی از نیازهای اساسی آموزش و پرورش و عامل اساسی در رشد زندگی معنوی انسان، کانون توجه روزافزون متخصصان برنامه‌درسی، روانشناسان و فلاسفه بوده است. به طوری که عدم توجه به آن را بی‌اعتنایی به عناصر اصلی آموزش و یادگیری می‌دانند و بر این باورند که باید معنویت را بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی به حساب آورد. این موضوع بدان جهت حائز اهمیت است که امروزه برای آموزش برخی تخصص‌ها که به نحوی با انسان‌ها ارتباط دارند، مقوله معنویت امری کلیدی است و به رشد و پرورش قوه معنویت در وجود مدیران، پرستاران، معلمان، روانشناسان، مشاوران و حقوق‌دانان توجه شده است (قاسم‌پور دهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۷۴). علاوه بر این، برنامه‌های درسی می‌توانند بهترین موقعیت را برای تبلور و رشد معنویت در افراد فراهم سازند. برنامه‌درسی، قلب نظام آموزشی است و می‌تواند فرصت‌های مناسب، محتوا و روش‌های مؤثر و مفیدی را برای آموزش و پرورش معنوی و اعتلای همه ابعاد وجودی انسان مهیا سازد. آموزش و پرورش معنوی آموزش به وسیله‌ی روح است نه درباره آن. تولد معنویت با اجرای برنامه‌درسی معنوی صورت می‌گیرد. آموزش

انسان تک‌بعدی و صرفاً مادی بوده‌اند و برنامه‌های درسی باوجود پیشرفت‌های زیاد در توجه به انسان، از یک بعد مهم غفلت ورزیده‌اند و آن بعد مغفول معنویت است (میرزاخانی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۶).

همانطور که اشاره شد یکی از مشکلات و مسائل غامض در آموزش و پرورش، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به معنویت است. چراکه روح و معنویت آنطور که بایسته و شایسته است، به‌عنوان راهکار ساماندهی مدارس در نظر گرفته نمی‌شود. انسان در محیط اجتماعی به سر می‌برد پس معنویت همچون دیگر مفاهیم مهم زندگی، تحت تأثیر عوامل و نیروهای محیطی و درونی ساخته می‌شود (صفامنش، ۱۳۹۷، ص ۱۷). در باب لزوم توجه به برنامه‌درسی معنوی، یافته‌های جروم سینگر (۲۰۰۰) نشان می‌دهد مخاطرات ناشی از تخیلات پرورش نیافته شامل بزهکاری و خشونت، به دلیل انگیزه‌های ناگهانی کودکان می‌باشد که از رشد کافی در زندگی معنوی برخوردار نبوده‌اند. در صورتیکه یکی از نیازهای اساسی کودک برآورده نشود و یا به‌گونه‌ای ناکافی برآورده شود، امکان دارد تحول کودک متوقف و یا دچار تحریف شود و یا نیازهای دیگر را نیز عملاً تحت تأثیر قرار دهد. لذا می‌توان اذعان داشت که بهره‌گیری از برنامه‌درسی معنوی در رفع این کاستی‌ها مفید واقع خواهد شد چراکه هدف اصلی برنامه‌درسی معنوی، ایجاد وضعیتی است که از طریق آن فراگیران به سطوح عالی آگاهی و معنی‌دار کردن زندگی خویش دست یابند.

بررسی مفهوم معنویت از دیدگاه متخصصان آموزش و پرورش نشان می‌دهد که معنویت

<sup>۱</sup>. Libster

<sup>۲</sup>. Cognitive

<sup>۳</sup>. Emotional

برنامه‌درسی معنوی اشاره به این دارد که چگونه می‌توان دنیای معنویت و روحانی را وارد دنیای مدرسه و کلاس درس نمود، به گونه‌ای که دانش‌آموزان از نظر زندگی درونی غنی شده و روح آن‌ها آرامش یافته و مسیر آموزش و پرورش به جای ذهن افراد به سوی روح آن‌ها تغییر یابد. تأکید برنامه‌درسی معنوی بر ناخودآگاه انسان، عشق به دین، عشق به زندگی و طبیعت، زندگی تاریخی و مذهبی و تجربیات است. اصولاً یک برنامه‌درسی باید بر درک جامع و عمیق قابلیت‌ها و ابعاد وجود انسانی مبتنی باشد و هدف غایی آن، هدایت تربیتی به منظور شناخت خود، جهان و ذات مطلق است (سلیمان پور، ۲۰۱۴، ص ۱۸۰).

استفاده از معنویت در آموزش، علاوه بر سهولت در روند تدریس و یادگیری، به آماده‌سازی ذهنیت فراگیران در یادگیری و اثربخشی بیشتر توأم با امنیت روانی کمک می‌کند. همچنین، آموزش معنویت می‌تواند به درس‌ها و اهداف معنا دهد و احساس عمیق از وحدت و ارتباط با جهان را ایجاد کند. از این رو، بهترین راه برای رشد معنویت در افراد از طریق آموزش است. معنویت در آموزش نه تنها باعث درک محتوای آموزشی می‌شود بلکه استدلال و روش‌های تحلیلی تفکر را در بین فراگیران تقویت می‌کند. بنابراین معنویت در آموزش و پرورش ابتدا باید با فرهنگ اسلامی هماهنگ باشد؛ زیرا جامعه اسلامی مبتنی بر اعتقاد به خداوند متعال است و اعتقاد بر این است که همه چیز برای او برنامه‌ریزی شده است (نصرالهی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۲).

معنوی توسعه ظرفیت‌ها، صلاحیت‌های درونی و بیرونی و همچنین به کمال رسیدن است. احساس بودن و وجود، ناشی از آموزش و پرورش معنوی است که به زندگی و حیات معنا می‌بخشد (تمدنی جهرمی، ذوالفقاری زعفرانی و کلانتری، ۱۳۹۷، ص ۸۰۰).

آموزش و پرورش مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند آموزش و پرورش در همه زمینه‌ها، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی بر اساس معیار نظام اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است و مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی دانش‌آموزان لازم‌التعلیم را به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش برساند (عباسی و رشیدی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). در این بین، خانواده، اولین نهادی است که دانش‌آموز به آن پای می‌گذارد و به شدت تحت تأثیر تربیت آن است و تأثیر معناداری بر تعلیم و تربیت معنوی و اخلاقی کودکان دارد. خانواده با شناخت کامل آرمان‌های جامعه و رفتار بر اساس ارزش‌ها و فرهنگ جامعه، فرزند خود را برای پانهادن به نهادهای دیگر تربیتی مانند جامعه و مدرسه، آماده می‌سازد. در اسلام طبق روایات، احادیث و نظرات صاحب‌نظران و فقها تربیت معنوی فرزندان بر والدین تکلیف است زیرا تربیت با جلب منافع و دفع زیان در طول حیات فرزندان زمینه رشد و تعالی آنان را فراهم می‌کند (تمدنی جهرمی، ذوالفقاری زعفرانی و کلانتری، ۱۳۹۷، ص ۸۰۴).

سقوط فرزندان در گمراهی، فساد و شک و تردید خواهد بود. به منظور آن که فرزندان در چالش‌های شدید اعتقادی گرفتار نشوند و دچار شک و تردید و در نهایت بی‌اعتقادی نگردند می‌بایست نقش و تأثیر خانواده در تشویق فرزندان به تحقیق و مطالعه و دمیدن روح پرسشگری در ایشان تقویت شود (اکبری، گل‌پرور و کامکار، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از: یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آن‌ها، آن را تکمیل می‌کنند. خانواده نظامی است که بیش از همه بر فرد و اعضای درون خود تأثیر دارد و رفتارهای افراد درون خود را شکل می‌دهد و بسیاری از پژوهش‌ها که اخیراً در زمینه خانواده انجام گرفته بر این دیدگاه تمرکز دارند (صدیدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۷). نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت جوامع، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می‌باشد. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامتی و پایداری خانواده است. لذا همواره پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین جامعه و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی، اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی خود و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است. امروزه ساختار خانواده در جهان با مشکلات متعددی دست به گریبان است و بحران خانواده یکی از رخدادهای تلخ و چالش‌های پیش رو برای جوامع کنونی است که باید به شدت مورد

امروزه بشر در سایه علم و تجربه به این حقیقت یقینی رسیده است که پایه‌های شخصیت هر انسان را وراثت، تربیت و فرهنگ تشکیل می‌دهند و سعادت در جامعه در گرو سلامت خانواده در آن جامعه است. این مسأله به صورت یک اصل اساسی در مضامین آیات و نیز کلمات معصومان به وفور دیده می‌شود و در لسان انبیای عظام و اوصیای آنان به صورت مکرر یافت می‌گردد. هویت خانواده در فرهنگ دینی، هویتی است براساس عشق و ایمان و نیازهای انسان، که در عین قانونمندی و حق‌باوری، لطف‌پروری و شایسته‌محوری را نیز داراست و تمایلات فردی در آن، جای خود را به انعطاف و تمکین در برابر قانون الهی می‌دهند (شاه‌محمدی و ابراهیمی تازه‌کند، ۱۳۹۳، ص ۷).

از آنجا که انسان موجودی تأثیرپذیر از محیط اطراف خود اعم از خانواده، دوستان و نزدیکان می‌باشد، ناگزیر است که با بصیرت و تعقل و تفکر بیشتر و با چشمانی باز به اطراف خود بنگرد و جریان‌ات مثبت و منفی محیط اطرافش را شناسایی کند تا در شناخت حقیقت و انتخاب مسیر از آن معارف بهره جوید. در این سیر معرفتی، خانواده به عنوان یک کانون مهم و حیاتی می‌تواند در فرایند رشد و تربیت اعضا خانواده، به خصوص کودکان و نوجوانان تأثیر بسزایی داشته باشد. تا جایی که رعایت اصول صحیح تربیتی در خانواده زمینه‌ساز رشد و بالندگی فرزندان و موجب استحکام پایه‌های اعتقادی‌شان می‌گردد، اما از آن سو، عدم پابندی والدین به اصول تربیتی، آشفتگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده، زمینه‌ساز بی‌اعتقادی و

هکت<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵، ص ۲۳). برنامه‌درسی معنوی مورد توجه اکثر نظام‌های آموزشی است و در برخی از کشورها در حال اجراست و مربیان تعلیم و تربیت در کشورهای گوناگون به این موضوع بسیار توجه داشته‌اند. در این بین نباید نقش خانواده به عنوان کانون مهم انسانی را نادیده گرفت. خانواده می‌تواند به عنوان یک نهاد آموزشی غیررسمی در کنار آموزش و پرورش رسمی برای معرفی، احیا و توسعه معنویت در بین جوامع انسانی نقش بسزایی داشته باشد. از این رو می‌توان گفت شریک اصلی تربیت، خانواده است که در سنین اولیه کودکی قبل از اینکه کودک به مدرسه برود نقش کلیدی دارد و بعد از ورود به مدرسه هم به عنوان یک شریک اصلی باید لحاظ شود. پژوهش‌های مطلوبی در این زمینه انجام گرفته است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

شاه آبادی، اسدزاد و تیموری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه پذیری دینی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد" به مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان پرداختند. روش انجام این تحقیق از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر فیروزآباد بود که تعداد ۳۶۶ نفر به عنوان نمونه براساس فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان از مدیران متوسط بالاتر است همچنین نقش خانواده در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان بیشتر از مدرسه است.

توجه قرار گیرد (فیدل<sup>۱</sup> و کومات<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵، ص ۴۲۶). از آنجا که گستره احتیاجات انسان به دلیل اصالت و فراگیری امور معنوی در همه شئون زندگی فراتر از نیازهای مادی است، بنابراین دقت نظر بر بحث معنویت در خانواده به عنوان کلیدی‌ترین واحد اجتماعی توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. همچنین با ظهور عصر مدرنیته، مبانی نگرش انسان بر زندگی به یکباره دچار تحول گردید و جایگاه ارزشی خانواده و هویت مقدس و رنگین آن رو به بی‌رنگی نهاد که این امر ضرورت طراحی و برنامه‌ریزی بر مبنای دینی و معنویت الهی جهت حمایت از خانواده را بیش از پیش نمایان کرده است (هرمان<sup>۳</sup> و کاسیرز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴، ص ۴۳۷).

به هر حال، پرورش معنویت باعث می‌شود که فراگیران نسبت به رفتارها و تجارب معنوی خود و نیز نحوه به‌کارگیری آن در حل مسائل مختلف فردی و اجتماعی خود آگاهی یابند. در عین حال، وجود معنویت در روابط مختلف خود، دیگران و جهان هستی از بعد دنیوی و مذهبی، نقش و اهمیت پرورش دادن آن را خاطر نشان می‌سازد (ادیب‌منش، لیاقتدار و نصرافهانی، ۱۳۹۶، ص ۹۱). لذا یک برنامه‌درسی بایستی فرصت‌هایی برای فراگیران به وجود آورد که در نتیجه آن، با دانش، مهارت، رفتار و منش مبتنی بر ایمان آشنا گردند به نحوی که این آشنایی به توسعه دینی و مذهبی و قابلیت‌های معنوی فراگیران و در نهایت رشد همه‌جانبه آن‌ها منجر گردد (مک گانیل<sup>۵</sup> و

1. Fidel

2. Koumat

3. Herman

4. Kasierz

5. McGunnigle

6. Hackett



تمدنی جهرمی، ذوالفقاری زعفرانی و کلانتری (۱۳۹۷) به پژوهشی تحت عنوان "شناسایی عوامل مؤثر بر نهادینه کردن آموزش و پرورش معنوی در مدارس ابتدایی" پرداختند. این مطالعه از نوع توصیفی - پیمایشی و روش اجرای آن ترکیبی می‌باشد. جامعه پژوهش خبرگان دانشگاهی، مدیران و معلمان آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بودند. نمونه در بخش کیفی شامل ۲۰ نفر از متخصصان و در بخش کمی ۴۰۰ نفر از معلمان و مدیران بودند که با روش هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه بود. نتایج نشان داد که دو عامل مؤثر بر نهادینه کردن آموزش و پرورش معنوی در مدارس ابتدایی عبارتند از: عوامل درونی شامل مؤلفه‌های مدیریت توانمند و آگاه، فضا و امکانات، معلم و برنامه درسی و عوامل بیرونی شامل مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی، خانواده، رسانه و نهادهای غیردولتی.

نصرالهی، اسکندری، رضائی، حاجی رحیمیان (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان "معنویت و عوامل مؤثر در آموزش: یک مطالعه کیفی" به تبیین عوامل مؤثر در انتقال معنویت در فرایند آموزش پرداختند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. نتایج نشان داد که عوامل مؤثر در انتقال معنویت در فرایند تدریس به دو شکل اصلی عوامل مرتبط با معلم و عوامل مرتبط با محیط طبقه‌بندی شدند. عوامل مرتبط با معلم شامل بصیرت و جهان‌بینی معلم، پیروی از اصول دینی، اعتقاد به فضایل اخلاقی، تعامل مثبت و سازنده معلم با دانش‌آموز

تمیمی، رامیان و جمالیان‌زاده (۱۳۹۸) به پژوهشی تحت عنوان "نقش خانواده و مدرسه در تربیت دینی کودکان" پرداختند. تربیت دینی در مفهوم رایج و عام آن عبارت است از آموزش مفاهیم دینی به کودکان. در واقع فرد از طریق تربیت دینی به هدف خلقت خود می‌رسد و مقام خلیفه خدا در زمین را کسب می‌کند و به کمال می‌رسد. روش تحقیق این پژوهش، روش کتابخانه‌ای است. بر این اساس با بهره‌گیری از کتب و مقالات دریافتند که خانواده و مدرسه از جمله عوامل اصلی و مؤثر در تربیت کودکان هستند زیرا کودک بیشتر اوقات زندگی خود را با آن‌ها می‌گذراند و از رفتار و کرداری که در آن دو کانون انجام می‌شود تقلید می‌کند.

حق‌نظری و مرادی یوسفوند (۱۳۹۸) به پژوهشی با عنوان "تربیت دینی نسل جدید، معنویت و برنامه‌درسی" پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که باورهای دینی در جوامع اسلامی به عنوان یکی از اهداف تربیتی مهم در برنامه‌ریزی‌های کلان نظام تعلیم و تربیت این جوامع مورد نظر است. از طرفی نیازهای مخاطبان نیز مدام در حال تغییر و تحول است و باید تربیت دینی همگام با مقتضیات زمان برای مخاطبان خود برنامه‌های دقیق و مناسبی ارائه دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که وجود یک برنامه‌درسی معنوی دقیق و مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های علمی می‌تواند کمک شایانی به تربیت نسل جدید که در معرض هجوم‌های گوناگون فکری، فرهنگی و تربیتی قرار دارند، نماید و آن‌ها را به اهداف و معیارهای مورد نظر دین نزدیک و نزدیک‌تر کند.

اولویت‌بندی مؤلفه‌های خانوادگی موثر در برنامه‌درسی معنوی از دیدگاه برنامه‌ریزان درسی می‌باشد که بدین‌منظور سوال‌های زیر صورت‌بندی شده است:

۱. مؤلفه‌های خانوادگی موثر در برنامه‌درسی معنوی از دیدگاه برنامه‌ریزان درسی کدامند؟
۲. اولویت‌بندی مؤلفه‌های خانوادگی موثر در برنامه‌درسی معنوی از دیدگاه برنامه‌ریزان درسی کدامند؟

### روش تحقیق

این پژوهش، به دنبال تبیین جایگاه خانواده در برنامه‌درسی معنوی می‌باشد. بنابراین بر مبنای هدف، تحقیق حاضر، یک تحقیق کاربردی-توسعه‌ای محسوب می‌شود. همچنین از نظر ماهیت گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷) و از نظر نوع داده‌ها در دسته تحقیقات آمیخته قرار دارد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش بر اساس روش کدگذاری نظری انجام گرفته است (استراوس<sup>۵</sup> و کوربین<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰، ص ۱۶۱). جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی شامل اساتید و خبرگان صاحب‌نظر در حوزه خانواده و تعلیم و تربیت به خصوص برنامه‌ریزی درسی و در بخش کمی کارشناسان برنامه‌ریزی درسی می‌باشد که از سوابق اجرایی در تصمیم‌گیری برخوردار بوده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته می‌باشد. نمونه تحقیق در بخش کیفی شامل ۱۴ نفر از خبرگان و متخصصان

و تسلط بر مهارت‌های تدریس است. عوامل مرتبط با محیط نیز شامل کلاس‌های بسیار ماهر و فراگیران با استعداد است.

فارل<sup>۱</sup>، نانسی<sup>۲</sup> و پیرسون<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین معنویت و حریم خصوصی خانواده"، این موضوع را بررسی کردند که آیا ممکن است معنویت به ارتباطات خانوادگی مربوط باشد یا خیر. نتایج حاکی از آن است که آگاهی معنوی حلقه ارتباطی بین خانواده و معنویت است. به عبارتی دیگر، آموزش و تربیت معنوی فرزندان یکی از اصلی‌ترین کارکردهای خانواده و والدین است.

کلیفورد<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) طی پژوهشی با عنوان «آموزش و پرورش اخلاقی و معنوی به عنوان بخش ذاتی برنامه‌درسی» به این نتیجه رسید که بین برنامه‌درسی اخلاقی و معنوی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. همچنین برنامه‌درسی اخلاقی برخی از راه‌های مؤثر را برای تشویق جوانان به مسئولیت‌پذیری نشان می‌دهد. این پژوهش، مطالعه موردی در یک مدرسه ابتدایی کوچک روستایی در انگلستان به منظور بررسی میزان امکان اجرای برنامه اخلاقی و معنوی به عنوان یک بخش ذاتی و فراگیر از برنامه درسی بر اساس دریافت فضایل کودکان بوده است. در این تحقیق، دانش آموزان تشویق شدند تا به تجربه خودشان بپردازند و بر فضایی مانند: «مهربانی»، «قابلیت اطمینان» یا «مسئولیت» تأکید کنند.

بنابراین با توجه به آنچه که در بخش‌های بالا گفته شد هدف این تحقیق شناسایی و

1. Farrell

2. Nancy

3. Pearson

4. Clifford

5. Strauss

6. Corbin

نمونه آماری توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی از روش‌های آمار توصیفی میانگین، واریانس، انحراف استاندارد و آزمون Z تک گروهی برای تعیین اعتبار تک تک مؤلفه‌ها و تعیین اولویت آن‌ها برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها استفاده گردید.

### یافته‌های پژوهش

برخی از نظرات مصاحبه‌شوندگان در خصوص نقش و تأثیرگذاری خانواده در اجرای برنامه‌درسی معنوی حاصل از بخش کیفی تحقیق، به شرح زیر می‌باشد:

برای نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص نقش خانواده بیان کرد: "خانواده می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. اکنون بچه‌ها در رفتارشان تناقض وجود دارد. یعنی در مدرسه یک چیز می‌گویند ولی فرزند در خانواده طوری بزرگ شده که مثلاً از مادرش در خانه چیزی جز چشم و هم‌چشمی با دیگران ندیده و ... یکسری رفتارهای ناسالم و جدی را در خانواده خودش مشاهده می‌کند و یاد می‌گیرد و در هم‌کلاسی‌هایش آن‌ها را پیاده می‌کند." یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در خصوص خانواده می‌گوید: "بنیاد تربیت در خانواده پی‌ریزی می‌شود. یک خانواده متعالی و معنوی می‌تواند آن بذر را (معنویت) که شش، هفت سال در بدن است بکار برد و بعد این ایستگاه تربیتی، دست کودک را در دست معلم و مربی و همزمان جامعه گذاشته تا آن را رشد و پرورش دهد."

همچنین یکی از مشارکت‌کنندگان در مورد نقش نهاد خانواده اظهار کرد: "نقش خانواده

خانواده و برنامه‌ریزی درسی بوده که با روش نمونه‌گیری هدفمند و زنجیره‌ای (گلوله برفی) انتخاب شده‌اند. نمونه تحقیق در بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۱۰ نفر تعیین گردید. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و تا جایی که امکان دسترسی به کارشناسان برنامه‌درسی وجود داشت پرسشنامه (به صورت غیرحضوری و کاغذی) توزیع و در نهایت تعداد ۲۱۸ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری گردید.

برای سنجش روایی ابزار مصاحبه از روایی پاسخگو و برای محاسبه پایایی از روش پایایی حاصل از دو کدگذار استفاده شد (ابوالمعالی، ۱۳۹۱، ص ۴۱۷). همچنین روایی ابزار پرسشنامه با استفاده از روش روایی محتوا و برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پس از بررسی و تأیید روایی محتوایی و سازه ابزار پژوهش، به منظور اطمینان از پایایی پرسشنامه، آن را بین ۳۰ نفر از اعضای نمونه آماری توزیع نموده و داده‌های حاصل با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه تحقیق ۰/۹۸۶ محاسبه گردید.

بعد از اتمام فرآیند مصاحبه، تعداد ۵۵ مؤلفه خانوادگی شناسایی و نهایتاً در بررسی روایی ابزار مصاحبه تعداد ۴۰ مؤلفه نهایی تأیید شد. به منظور جمع‌آوری داده‌های بخش کمی تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته شامل ۴۰ سوال تهیه و در یک نمونه ۳۰ نفری از جامعه آماری توزیع و نتایج مورد تحلیل قرار گرفت و عواملی که نمره Z قابل قبولی کسب نکردند حذف شدند. در نهایت پرسشنامه حاوی ۱۸ سوال در طیف لیکرت در

همچنین با تاثیر پذیرفتن از آنان، حمایتی سرشار از محبت خداوند خواهد داشت و بر همین اساس تمامی رفتارها و روابط خود را تنظیم خواهد کرد. طبعاً والدینی که اهل نماز، روزه، دعا و قرآن و توسل به اهل بیت (ع) می‌باشند، فرزندان آن‌ها نیز به خودی خود این رفتارها را از آنان فرا می‌گیرند. بر عکس خانواده‌هایی که رفتارهای دیگری داشته باشند کودک همه آن‌ها را می‌آموزد و نگرش‌ها و باورهای متناسب با آن‌ها در جان او رسوخ می‌کند.

در مورد نوع و لحن صحبت کردن خانواده یکی از مصاحبه‌شوندگان اذعان نمود: "نوع سخنان و گفتگو‌هایی که در خانواده میان والدین و دیگر اعضا مطرح می‌شود، لحن سخن گفتن، استفاده از الفاظ احترام‌آمیز یا زشت بر تربیت معنوی کودک اثر می‌گذارد و نگرش او را به دین شکل می‌دهد. همچنین برنامه‌های صوتی و تصویری و مجلات مورد استفاده والدین به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تربیت معنوی کودک اثر می‌گذارد، ضمن آن که نوع تلقی و انتظارهای والدین و خانواده از تربیت کودک، یعنی اینکه فرزندان متدین تربیت شود یا خیر و یا چه اندازه به آموزه‌های دینی پایبند باشد نیز در شکل‌گیری شخصیت معنوی کودک تاثیر بسزایی دارد. میزان کنترل والدین بر رفتارهای کودکان و راهنمایی مناسب آن‌ها در امور دینی نقش مهمی در تربیت آنان دارد. والدینی که کودکان خود را در زمینه‌های مختلف اعتقادی، عبادی و اخلاقی زیر نظر دارند و در مواقع لازم مسائل مورد نیاز را به آنان آموزش می‌دهند یا منابع لازم را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند، فرزندان‌شان در امور دینی موفق هستند.

بسیار حائز اهمیت است. مثلاً پدری که همیشه در انجام واجبات فرزندانش را تشویق می‌کند و خودش نیز الگویی از این رفتار است، تأثیر شگرفی در فرزندش و تربیت او خواهد داشت. کسانی که در مورد دین با نوجوانان صحبت می‌کنند، خود باید الگوی واقعی باشند و به آنچه می‌گویند عمل کنند وگرنه نتیجه عکس خواهد داد."

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان نمود: "تأثیرگذاری خانواده تا بدانجا بوده که حتی اگر یکی از اعضای آن در روابط انسانی با دیگران کوچکترین قصور و کوتاهی داشته باشند، کودکان سریعاً آن رفتار را تقلید نموده و از آن پیروی می‌کنند و اگر خانواده از آن رفتار خرده بگیرند چون خودشان عامل به عمل نبوده و نتوانسته‌اند در آن مورد الگوی خوبی باشند بنابراین با شکست مواجه خواهند شد و آن رفتارهای ناسالم در کودک نهادینه می‌گردد. بین رفتار والدین و فرزندان در خانواده ارتباطی دو سویه برقرار است و در درازمدت رفتار والدین را تحت تاثیر قرار می‌دهد و نحوه تعامل والدین با یکدیگر و با فرزندان‌شان که اعضای یک خانواده تلقی می‌شوند، متأثر از خصوصیات اخلاقی و تربیتی فرزندان نیز خواهد شد.

در مصاحبه‌ای دیگر، مشارکت‌کننده اظهار نمود: "خانواده نقش بی‌بدیلی در تربیت به طور کلی و تربیت معنوی به طور خاص دارد. اگر کودک در خانواده‌ای رشد کند که به دین اهتمام دارد و آموزه‌های آن را با آگاهی دنبال می‌کند، طبعاً خود نیز به دین اهتمام خواهد ورزید، آن‌گاه مانند والدین خود نماز خواهد خواند و خواهد کوشید تا در روزه گرفتن از آنان تقلید کند.

شایسته است پیش از ورود کودکان به مدرسه، رفتارها و مهارت‌های مورد نظر را با برنامه‌ریزی و از طریق آموزش و پرورش مناسب و سازمان‌یافته، به تدریج، آگاهانه و با شکیبایی به آن‌ها آموخت.

در بخش کمی تحقیق، داده‌های نظرخواهی از ۲۱۰ نفر از کارشناسان برنامه‌ریزی درسی کشور مطابق جدول شماره ۱ است. جدول، نمره آزمودنی‌ها را به ۱۸ عامل به همراه میانگین، انحراف معیار، ضریب پراکندگی و Z محاسبه شده آن‌ها را نشان می‌دهد. مطابق اطلاعات نخست اینکه میانگین نمره همه عوامل بالاتر از حد متوسط مورد انتظار (۳) است. دوم اینکه بر اساس آزمون Z تک‌گروهی، چون Z محاسبه شده برای تمام عوامل از Z جدول در سطح اطمینان ۰/۹۹ و  $a=0/01$  (۲/۳۳) بزرگتر است، تفاوت بین میانگین نمره‌ها معنی‌دار بوده و با اطمینان ۰/۹۹ می‌توان نتیجه گرفت که خانواده در برنامه‌درسی معنوی بسیار تأثیرگذار است.

مشارکت‌کننده دیگری در خصوص اثرگذاری خانواده در تربیت فرزند بیان می‌کند: "در خانواده، والدین به عنوان اصلی‌ترین عضو باید در تربیت کودکان تلاش کنند تا مربی از سر شوق و اشتیاق به تجارب درونی دست یابد؛ به نحوی که خود بتواند فطرت خداجوی خویش را کشف کرده و تجربه را به طور حضوری مشاهده نماید. در کانون خانواده است که گرایش دینی افراد، تقویت می‌شود و خمیرمایه شخصیت مذهبی، در آنان شکل می‌گیرد. اگر والدین می‌خواهند فرزند خود را راستگو، صالح، متعهد و اهل نماز و عبادت تربیت کنند خودشان نیز باید چنین باشند، زیرا در غیر این صورت نه تنها نتیجه بخش نمی‌باشد، بلکه مشکلاتی همچون بی‌اعتمادی فرزند نسبت به والدین، دروغ‌گویی، دورویی و تقلب را به همراه خواهد داشت. کودکان پیش از ورود به مدرسه، بر اثر آموزش و پرورش غیررسمی و با استفاده از قدرت یادگیری، تقلید و الگوبرداری، رفتارها و مهارت‌های گوناگون را در خانواده یاد می‌گیرند و به کار می‌بندند. از این رو،

جدول (۱): نمره آزمودنی‌ها به مؤلفه‌های خانوادگی موثر در برنامه‌درسی معنوی

ردیف	عوامل	$\bar{X}$	S	Z	CV	R
۱.	دلسوزی و قدرشناسی	۳/۸۷	۱/۰۶	۱۹/۷۷	۱۵/۷۶	۴
۲.	مسئولیت‌پذیری	۳/۹۰	۰/۷۷	۸/۶۱	۱۶/۰۱	۵
۳.	روابط انسانی و مؤدبانه والدین با یکدیگر و با دیگران	۳/۳۳	۰/۷۴	۳۲/۲۷	۱۲/۱۵	۳
۴.	ایمان و توکل به خداوند و توسل به ائمه معصومین (ع)	۴/۴۶	۱/۰۱	۲۳/۸۵	۷/۶۶	۱
۵.	تشویق فرزندان به صداقت و راستگویی	۴/۶۶	۰/۵۷	۴۸/۲۷	۱۰/۹۵	۲
۶.	تلاش برای کسب رضای خداوند	۱۵/۴	۰/۵۴	۵۲/۹۷	۳۱/۷۰	۱۳
۷.	صبر در تحمل مشکلات	۳/۴۵	۰/۹۱	۴۴/۵	۲۹/۰۸	۱۲
۸.	تفاهم اعتقادی والدین با فرزندان	۴/۲۹	۰/۷۸	۲۱/۹۴	۳۷/۶۳	۱۶

۱۸	۳۸/۵۶	۲۳/۸۵	۱/۲۵	۴/۵۵	تقویت تفکر در فرزندان	۹
۶	۲۰/۹۶	۲۳/۵۰	۰/۸۹	۴/۰۳	احترام به حقوق دیگران و نوع دوستی	۱۰
۸	۲۳/۰۱	۲۶/۰۱	۰/۹۶	۳/۹۵	تقویت روحیه گذشت و فداکاری توسط والدین	۱۱
۱۴	۳۳/۱۹	۸/۶۱	۱/۲۸	۴/۱۹	شرکت در مراسم و مجالس مذهبی	۱۲
۷	۲۲/۵۰	۷/۱۴	۱/۱۹	۴/۶۸	نقش والدین در انتقال ارزش‌ها	۱۳
۹	۲۵/۳۳	۱۵/۰۵	۱/۲۲	۴/۶۹	ایجاد رابطه صمیمیت و محبت‌آمیز با فرزندان	۱۴
۱۰	۲۶/۴۸	۱۹/۷۵	۱/۰۳	۴/۲۱	پایبندی والدین به رعایت شئون اسلامی	۱۵
۱۵	۳۶/۰۵	۳۰/۸۵	۰/۶۵	۳/۳۵	توصیه به حسن معاشرت و عمل به معروف	۱۶
۱۷	۳۸/۱۴	۳۲/۰۴	۰/۷۳	۳/۷۱	پایبندی به روحیه عدالت‌خواهی	۱۷
۱۱	۲۷/۹۷	۲۴/۵۱	۰/۸۹	۴/۳۰	انجام فرائض دینی	۱۸

با توجه به معنی دار بودن تفاوت میانگین نمره با میانگین مورد انتظار با اطمینان ۰/۹۹ می‌توان نتیجه گرفت که رتبه‌بندی عوامل خانوادگی مؤثر در تربیت دینی فرزندان از دیدگاه کارشناسان برنامه‌ریزی درسی به ترتیب اهمیت عبارت است از:

جدول (۲): رتبه‌بندی عوامل خانوادگی مؤثر در تربیت دینی فرزندان

ردیف	عوامل	ردیف	عوامل
۱	ایمان و توکل به خداوند و توسل به ائمه معصومین (ع)	۱۰	پایبندی والدین به رعایت شئون اسلامی
۲	تشویق فرزندان به صداقت و راستگویی	۱۱	انجام فرائض دینی
۳	روابط انسانی و مؤدبانه والدین با یکدیگر و با دیگران	۱۲	صبر در تحمل مشکلات
۴	دلسوزی و قدرشناسی	۱۳	تلاش برای کسب رضای خداوند
۵	مسئولیت‌پذیری	۱۴	شرکت در مراسم و مجالس مذهبی
۶	احترام به حقوق دیگران و نوع دوستی	۱۵	توصیه به حسن معاشرت و عمل به معروف
۷	نقش والدین در انتقال ارزش‌ها	۱۶	تفاهم اعتقادی والدین با فرزندان
۸	تقویت روحیه گذشت و فداکاری توسط والدین	۱۷	پایبندی به روحیه عدالت‌خواهی
۹	ایجاد رابطه صمیمیت و محبت‌آمیز با فرزندان	۱۸	تقویت تفکر در فرزندان

## بحث و نتیجه‌گیری

برنامه‌درسی معنوی انجام می‌گیرد. با این وجود نقش و جایگاه کانون خانواده به عنوان خانه اول دانش‌آموزان را نباید نادیده گرفت. خانواده، بنیادی‌ترین نهاد جامعه است و منبع و منشأ تغییراتی بزرگ در سطح جامعه بوده و بخش بزرگی از اقدامات و رسالت‌های یک فرهنگ یا آیین را برای تحقق جامعه‌ای آرمانی بر عهده

تقریباً در همه جوامع، برنامه‌درسی معنوی به‌عنوان برنامه‌ریزی رسمی برای تربیت افراد جامعه است که هدف اصلی و غایی آن رشد و پرورش انسان کامل است. از این رو صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت عقیده دارند که عمده تربیت نسل امروزی توسط مدارس و به تبع آن

یافته‌های تحقیق بختیاری و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارد.

"تشویق فرزندان به صداقت و راستگویی" و الگو بودن والدین برای فرزندان در این زمینه می‌تواند تأثیر بسزایی در نهادینه شدن راستی و صداقت در دانش‌آموزان داشته باشد. وقتی فرزندان صداقت و راستی را در گفتار و رفتار والدین مشاهده می‌کنند در مدرسه نیز با آموزش‌های مرتبط با صداقت و راستی بهتر رابطه برقرار می‌کنند. ولی در خانواده‌هایی که صداقت ضعیف است ترغیب فرزندان به صداقت در مدرسه دشوار بوده و نیاز به تلاش بیشتر معلمان دارد. "روابط انسانی و مؤدبانه والدین با یکدیگر و با دیگران" مؤلفه دیگری است که در رتبه سوم قرار دارد. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که نحوه برقراری ارتباط، صحبت کردن و نوع کلماتی که فرزندان به کار می‌برند به شدت تحت تأثیر روابط بین والدین آن‌ها با یکدیگر و روابط بین والدین آن‌ها با دیگران قرار دارد. میزان احترام متقابل، استفاده از کلمات محترمانه و همچنین میزان ادب فرزندان در روابط اجتماعی آن‌ها در جامعه و مدرسه بیانگر نوع روابط والدین آن‌هاست. بنابراین روابط صمیمی و توأم با احترام والدین در حقیقت کار معلمان و مربیان مدارس در دستیابی به روابط مؤدبانه و صمیمی بین دانش‌آموزان و مشاهده آن در رفتار آن‌ها را آسان‌تر می‌کند. علاوه بر این نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که مقاومت فرزندان در مقابل توصیه معلمان بیشتر از مقاومت آن‌ها در مقابل توصیه والدین آن‌هاست. بنابراین نقش خانواده در کوتاه کردن مسیر تربیتی فرزندان و همچنین بازدهی

دارد. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامتی و پایداری خانواده است. لذا همواره پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین جامعه و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی، اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی خود و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است. بنابراین کانون خانواده این ظرفیت را دارد که در تربیت انسان معنوی نقش بالایی داشته باشد به طوری که از خانواده به عنوان برنامه‌درسی معنوی غیررسمی در تربیت معنوی دانش‌آموزان یاد می‌شود. پژوهش حاضر، با هدف تعیین جایگاه خانواده در برنامه‌درسی معنوی از دیدگاه برنامه‌ریزان درسی انجام گردید.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که خانواده از طریق تأثیر مستقیم بر ۱۸ مؤلفه اساسی برنامه‌درسی معنوی می‌تواند نقش مهمی در موفقیت برنامه‌درسی معنوی داشته باشد. از آنجاکه خانواده خانه اول و مدرسه خانه دوم دانش‌آموزان محسوب می‌شود، می‌توان گفت هرچه خانواده‌ها در تقویت این مؤلفه‌ها کوشش بیشتری داشته باشند اجرای برنامه‌درسی معنوی با سرعت بیشتر صورت گرفته و نهادینه شدن مؤلفه‌ها و شاخص‌های معنویت را تقویت می‌کند. نتایج نشان داد که مؤلفه "ایمان و توکل به خداوند و توسل به ائمه معصومین (ع)" در رتبه اول قرار دارد و این حکایت از آن دارد که تقویت این مؤلفه از سوی خانواده‌ها می‌تواند بیشترین تأثیر را بر موفقیت برنامه‌درسی معنوی داشته باشد. نتایج این تحقیق در این مؤلفه‌ها، با

معاشرت و عمل به معروف با نتایج تحقیق حاضر همسو می‌باشد.

سایر مؤلفه‌هایی که با استفاده از تقویت آن‌ها می‌توان به اجرا و اثرگذاری برنامه‌درسی معنوی کمک کرد عبارتند از: "شرکت در مراسم و مجالس مذهبی"، "توصیه به حسن معاشرت و عمل به معروف"، "تفاهم اعتقادی والدین با فرزندان"، "پایبندی به روحیه عدالت‌خواهی" و "تقویت تفکر در فرزندان". در تحقیق شاه‌محمدی و همکاران (۱۳۹۳) مؤلفه‌های شرکت در مراسم و مجالس مذهبی، پایبندی والدین به رعایت شئون اسلامی و انجام فرایض دینی با نتایج این تحقیق مطابقت دارد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌شود به منظور ارائه بازخورد تربیتی فرزندان از سوی خانواده به معلمان و برعکس ارتباط تنگاتنگ بین معلمان و والدین برقرار گردد. همچنین خانواده‌ها را به برقراری رابطه گرم و صمیمی با فرزندان خود تشویق کرده تا از این طریق تأثیر روابط درون خانواده بر فرزندان بیشتر شود. جلسات صمیمی بین معلمان و والدین برگزار و این واقعیت برای والدین تشریح گردد که بدون همراهی و همکاری آن‌ها اجرای برنامه‌درسی معنوی چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

بیشتر برنامه‌درسی معنوی غیرقابل انکار است. "دلسوزی و قدرشناسی"، "مسئولیت‌پذیری"، "احترام به حقوق دیگران و نوع‌دوستی" و "تقویت روحیه گذشت و فداکاری توسط والدین" از دیگر مؤلفه‌هایی است که خانواده می‌تواند از طریق آن‌ها به موفقیت برنامه‌درسی معنوی کمک کند. "پایبندی والدین به رعایت شئون اسلامی"، "انجام فرایض دینی"، "صبر در تحمل مشکلات" و "تلاش برای کسب رضای خداوند" به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. تأکید اسلام بر اقامه نماز و انجام سایر فرایض دینی در حضور فرزندان به این دلیل است که فرزندان از کودکی با انجام فرایض دینی آشنا شده و لوح سفید ضمیر کودکان با خدا و یاد خدا مزین شود. میزان مقید بودن فرزندان به رعایت شئون اسلامی ارتباط بسیار نزدیکی با میزان رعایت شئون از سوی والدین آنان دارد. این موضوع در جامعه کشورمان به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین در صورتی که در خصوص رعایت این مؤلفه‌ها در بین خانواده‌ها فرهنگ‌سازی شود می‌توان امید داشت که تربیت فرزندان در این زمینه بسیار راحت‌تر و مؤثرتر انجام گیرد. تحقیقات شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) و تمدنی جهرمی و همکاران (۱۳۹۸) با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

همچنین ۷ مؤلفه از یافته‌های تحقیق بختیاری و همکاران (۱۳۹۸) شامل روابط انسانی و مؤدبانه با یکدیگر و با دیگران، ایمان و توکل به خداوند و توسل به ائمه معصومین(ع)، دلسوزی و قدرشناسی، مسئولیت‌پذیری، ایجاد رابطه صمیمیت و محبت‌آمیز با فرزندان، پایبندی والدین به رعایت شئون اسلامی و توصیه به حسن



## منابع

۱. ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱)، پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، تهران: انتشارات نشرعلم.
۲. ادیب منش، مرزبان؛ لیاقت دار، محمدجواد؛ نصراصفهانی، احمدرضا (۱۳۹۷)، بررسی میزان دانش، نگرش و مهارت مدرسان و مدیران و امکانات موجود در اجرای برنامه درسی معنوی (مورد مطالعه: دیدگاه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان)، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۸، شماره ۱۶، ص ۸۹-۱۱۸.
۳. ادیب منش، مرزبان؛ لیاقت دار، محمدجواد؛ نصراصفهانی، احمدرضا (۱۳۹۷)، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های برنامه‌درسی معنوی بر اساس منابع و متون مرتبط با آن، دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۱۳، شماره ۲۷، ص ۸۴-۶۱.
۴. استراوس، انسلم. کربین، جولیت (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
۵. آقامحمدی، جواد و خرسندی یانچی، اکبر (۱۳۹۴)، بررسی میزان توجه به جایگاه خانواده مبتنی بر اخلاق مداری در برنامه‌درسی، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، دوره جدید سال پنجم، شماره ۱۸، (پیاپی ۴۰)، ص ۱۵۱-۱۲۹.
۶. اکبری، زهرا؛ گل‌پرور، ناهید و کامکار، مرضیه (۱۳۹۰)، شناخت و تبیین نقش ارزش‌های اخلاقی- مذهبی در بافت خانوادگی در جامعه ایرانی، مرکز پژوهش‌های وزارت ارشاد.
۷. بختیاری، افسانه؛ باکویی، فاطمه؛ سیدی اندی، سید جلیل و پاشا، هاجر (۱۳۹۸)، نقش معنویت بر نظام سلامت خانواده از دیدگاه اسلام، نشریه اسلام و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره چهارم، شماره اول، ص ۲۸-۳۸.
۸. بخشی، حامد و صباغ اسماعیلی، رعنا (۱۳۹۴)، نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.
۹. تمدنی جهرمی، مریم؛ ذوالفقاری زعفرانی، رشید و کلاتتری، مهدی (۱۳۹۷)، شناسایی عوامل مؤثر بر نهادینه کردن آموزش و پرورش معنوی در مدارس ابتدایی، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال دوازدهم، شماره ۴، ص ۱۰۶-۸۹.
۱۰. تمدنی جهرمی، مریم؛ ذوالفقاری زعفرانی، رشید و کلاتتری، مهدی (۱۳۹۷)، ارائه مدلی به منظور نهادینه کردن آموزش و پرورش معنوی در مدارس ابتدایی، پژوهش در نظام های آموزشی، دوره ۱۲، ص ۸۱۷-۷۹۹.
۱۱. تمیمی، فاضل؛ رامیان، پرویز و جمالیان زاده، سید برزو (۱۳۹۸)، نقش خانواده و مدرسه در تربیت دینی کودکان، نخستین همایش بین‌المللی تدبیر علوم مدیریتی، تربیتی، اجتماعی و روانشناسی در افق ایران ۱۴۰۴.

۱۲. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. حق نظری، احسان و مرادی یوسفوند، سجاد (۱۳۹۸)، تربیت دینی نسل جدید، معنویت و برنامه درسی، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران.
۱۴. زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ اسدنژاد، فرزانه و تیموری، فاطمه (۱۳۹۸)، مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد، مجله تربیت اسلامی. سال پانزدهم تابستان ۱۳۹۸ شماره ۳۲، ص ۹۳-۱۱۶.
۱۵. شاملی، عباسعلی؛ ملکی، حسن و کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال سوم، شماره دوم، ص ۹۸-۷۷.
۱۶. شاه‌محمدی، مینا و ابراهیمی تازه کند، فریبا (۱۳۹۶)، نقش معنویت و مذهب درون نظام خانواده، کنفرانس بین المللی فرهنگ، آسیب شناسی روانی و تربیت، دانشگاه الزهراء، دوره ۱.
۱۷. صفامنش، نرگس (۱۳۹۷)، بررسی چالش‌های پیش روی برنامه‌درسی معنوی بر اساس مدل تایلر و امکان‌سنجی اجرای آن در دوره ابتدایی، پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور مشهد.
۱۸. صیدی، محمدسجاد؛ پورابراهیم، تقی؛ باقریان، فاطمه و منصور، لادن (۱۳۹۰)، رابطه بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲، شماره ۵، ص ۷۹-۶۳.
۱۹. عباسی، ابراهیم و رشیدی، عزیز (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر اجرای دوره‌های آموزشی بر عملکرد کارکنان سازمان تأمین اجتماعی، فرایند مدیریت و توسعه، سال ۲۵، شماره ۳، ص ۱۴۳-۱۲۱.
۲۰. عرب احمدی، مینا و باقرپور، معصومه (۱۳۹۹)، تأثیر انتقال مفاهیم مرتبط با معاد بر آگاهی معنوی و رفتار اخلاقی معلمان دوره متوسطه شهر گرگان، فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۱۵، شماره ۳۱، ص ۶۵-۴۷.
۲۱. قاسم‌پور دهاقانی، علی و نصرافهانی، احمدرضا (۱۳۹۰)، رویکرد معنوی و برنامه ریزی درسی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۱۳: ۹۲-۷۱.
۲۲. مظاهری، حسین؛ رحیمی، سید داریوش و ابراهیم پور سامانی، جمشید (۱۳۹۷)، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، سال ۶، شماره ۲.
۲۳. میرزاخانی، مهدی (۱۳۹۱)، ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و دلالت‌های برنامه‌درسی بر مبنای آن، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

24. Becker, Jos and Joep de Hart (2006), *Godsdienstige Veranderingen in Nederland, Verschuivingen in de Binding met de Kerken en de Christelijke Traditie*. Sociaal en Cultureel Planbureau: SCP, Vol 128.
25. Bernard Spilka, Ralph W. Hood, Bruce Hunsberger, and Richard Gorsuch (2003), *The Psychology of Religion. An Empirical Approach*, Third Edition. New York: The Guilford Press. No 16, pp 147-152. doi.org/10.1207/s15327582ijpr1602\_6
26. Clifford P. (2013), Moral and spiritual education as an intrinsic part of the curriculum, *Int J Children Spirit*, 18(3): 268-80.
27. Fidel, S & Koumat, D (2015), "Spirituality, Healing and Medicine", *British Journal of General Practice*, Vol 41, pp 425-427.
28. Herman, P & Kasierz, M. J. (2014), "Personal Religious Orientation and Prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol, 5, pp:432-443.
29. Hurrelmann, Klaus (2014), *Einführung in die Sozialisationstheorie*, Weinheim: Beltz, 2002.
30. Laura C. Farrell, Nancy DiTunnariello, and Judy C. Pearson (2014), "The Relationship between Spirituality and Family Privacy", *Journal of the Communication, Speech & Theatre Association of North Dakota*: Vol. 26.
31. Libster, M. M. (2018), Spiritual formation, secularization, and reform of professional nursing and education in antebellum America, *Journal of Professional Nursing*, 34(1), 47-53.
32. McGunnigle, Christine & Hackett, Chris (2015), "Spiritual and Religious Capabilities for Catholic Schools," *eJournal of Catholic Education in Australasia*: Vol. 2: Iss. 1, Article 6. Pp 1-30.
33. Moghimian M, Salmani F, Azarbarzin M (2011), The relationship between test anxiety and spiritual health in nursing students, *J Qom Univer Med Scien*; 5(Supl 3): 31-6.
34. Nasrollahi, Zahra; Eskandari, Narges; Rezaei Adaryani, Mohsen and Haji Rahimian Tasuji, Mohammad Hasan (2020), Spirituality and effective factors in education: A qualitative study, *Journal Of Education and Health Promotion*, Published online, Vol. 9, No. 52, pp 10-26.
35. Soleymanpour. J, (2014), Analyze of Spiritual Curriculum Status in Primary School of Mazandaran Province Iran, Kuwait Chapter of Arabian Journal of Business and Management Review Vol. 3, No.12, pp. 177-184.
36. Thomas F. McGovern, Terry. McMahan, Jessica. Nelson, Regina. Bundoc-Baronia, Chuck. Giles and Vanessa. Schmidt (2017), A Descriptive Study of a Spirituality Curriculum for General Psychiatry Residents: *Academic Psychiatry*, 41:471-476, DOI 10.1007/s40596-017-0687.

